

Rethinking Identity and Resistance: A Postcolonial Reading of Chinua Achebe's Trilogy

Khosro Sina*

Vahid Soleimani Nejad**

Abstract

This article analyzes Chinua Achebe's trilogy through the theoretical frameworks of Edward Said, Homi Bhabha, Gayatri Spivak, and Frantz Fanon. The study examines themes such as identity, resistance, and cultural encounters, exploring the interaction between colonial and indigenous discourses. Findings reveal that Achebe employs indigenous elements like language, mythology, and narrative to depict the psychological and social consequences of colonialism while creating liminal spaces to rethink hybrid identities. The analysis, grounded in postcolonial theories, highlights the complexity of hybrid identity formation, the impact of colonial discourses on socio-psychological dynamics, and the representation of subaltern voices. By providing a comprehensive perspective on Achebe's works, this article contributes to the expansion of comparative and postcolonial literary studies.

Keywords: Chinua Achebe, Postcolonialism, Cultural Identity, Resistance, Colonial Discourse.

Introduction

This article explores Chinua Achebe's trilogy through the lens of postcolonial theories articulated by Edward Said, Homi Bhabha, Gayatri Spivak, and Frantz

* Assistant Professor, Department of Cinema, Faculty of Art and Architecture, University of Kurdistan, Sanandaj, Iranksosro.sina@uok.ac.ir

** Instructor, Department of Music, Faculty of Art and Architecture, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran (Corresponding Author), v.soleimaninejad@uok.ac.ir

Date received: 07/01/2025, Date of acceptance: 01/02/2025



Fanon. Achebe, a pivotal figure in postcolonial literature, addresses themes of identity, resistance, and cultural encounters, emphasizing the interplay between colonial and indigenous discourses and their effects on African social structures.

Materials & Methods

The analysis employs a theoretical framework grounded in postcolonial studies, focusing on the following key concepts:

- Othering: As introduced by Edward Said, this concept highlights how colonial narratives depict indigenous cultures as inferior.
- Third Space and Hybridity: Homi Bhabha's ideas illustrate the complexities of identity formation in colonial contexts.
- Subaltern Representation: Gayatri Spivak's work emphasizes the challenges faced by marginalized voices in articulating their experiences.
- Psychological Effects of Colonialism: Frantz Fanon's theories provide insight into the alienation experienced by individuals under colonial rule.

Discussion & Results

Achebe's trilogy vividly illustrates the psychological and social ramifications of colonialism. In "Things Fall Apart," the disruption caused by colonial forces is exemplified through the arrival of missionaries and the destruction of traditional symbols. This aligns with Said's notion of othering, where indigenous cultures are portrayed as stagnant compared to Western civilization. Bhabha's concept of the Third Space is embodied in Obi Okonkwo from "No Longer at Ease," who experiences an identity crisis as he navigates between Western education and his native culture. This liminal space leads to his social isolation, reflecting the complexities of hybrid identities. Spivak's insights are evident in Achebe's portrayal of subaltern voices, particularly through female characters and oral traditions. Despite marginalization, these voices challenge dominant narratives, demonstrating resilience against oppressive structures. Fanon's analysis reveals how colonialism fosters psychological alienation. Okonkwo's tragic end symbolizes the collapse of traditional identities under colonial pressures, reinforcing the destructive impact of imperialism on indigenous cultures.

Conclusion

Achebe's trilogy serves as a profound critique of colonial power dynamics, utilizing language and cultural elements to reconstruct indigenous identities and amplify subaltern voices. This study contributes to postcolonial literary discourse by providing a nuanced understanding of how colonialism shapes cultural identity and resistance strategies within African societies.

Bibliography

- Bhabha, H. K. (2021). *The Location of Culture*. Routledge.
- Castelli, A. (2022). Liberation through violence in Fanon's *The Wretched of the Earth*: Historical and contemporary criticisms. *Peace & Change*, 47(4), 325-340.
- Davis, K. (2021). *Psychological Dimensions of Postcolonial Narratives*. Cambridge University Press.
- Fanon, F. (2021). *Black Skin, White Masks*. Grove Press.
- Fanon, F. (2021). *The Wretched of the Earth*. Grove Press.
- Fanon, F. (2023). Black skin, white masks. In *Social theory re-wired* (pp. 355-361). Routledge.
- James, P. & Clarke, T. (2023). *Comparative Studies of African and Middle Eastern Literature*. Palgrave Macmillan.
- Johnson, L. & Smith, R. (2021). *Postcolonial Identities in African Literature*. Routledge.
- Miri, S. J. (2019). Frantz Fanon in Ali Shariati's Reading: Is it Possible to Interpret Fanon in a Shariatian Form? In *Frantz Fanon and Emancipatory Social Theory* (pp. 184-216). Brill.
- Said, E. W. (2023). Orientalism. In *Social theory re-wired* (pp. 362-374). Routledge.
- Spivak, G. C. (2022). Can the Subaltern Speak? In C. Nelson & L. Grossberg (Eds.), *Marxism and the Interpretation of Culture* (pp. 271-313). University of Illinois Press.

Achebe's works

- Achebe, C. (2021). *Things Fall Apart*. Penguin Classics.
- Achebe, Chinua. (2013). *Arrow of god*. Penguin UK.
- Achebe, Chinua. (1987). *No longer at ease* (Vol. 3). Heinemann

بازاندیشی هویت و مقاومت:

قرائتی پسااستعماری از سه گانه چینوا آچه

خسرو سینا*

وحید سلیمانی نژاد**

چکیده

مقاله حاضر به تحلیل سه گانه چینوا آچه، نویسنده برجسته نیجریه‌ای، با استفاده از چارچوب نظری ادوارد سعید، هومی بابا، گایاتری اسپیواک و فرانتس فانون می‌پردازد. این پژوهش مضامینی همچون هویت، مقاومت و مواجهه فرهنگی را بررسی کرده و نحوه تعامل گفتمان‌های استعماری و بومی را تحلیل می‌کند. نتایج نشان می‌دهد که آچه با استفاده از عناصر بومی مانند زبان، اسطوره و روایت، ضمن بازنمایی پیامدهای روانی و اجتماعی استعمار، فضاهایی بینابینی برای بازاندیشی هویت‌های جدید ایجاد کرده است. تحلیل‌ها از منظر نظریه‌های پسااستعماری، بر پیچیدگی شکل‌گیری هویت‌های ترکیبی، اثر گفتمان‌های استعماری بر روان‌شناسی اجتماعی و بازنمایی صدای فرودستان تأکید دارند. این مقاله، با ارائه چشم‌اندازی جامع از آثار آچه، زمینه‌ای برای گسترش مطالعات تطبیقی و تحلیل‌های پسااستعماری فراهم می‌کند.

کلیدواژه‌ها: چینوا آچه، پسااستعمار، هویت فرهنگی، مقاومت، گفتمان استعماری.

* استادیار گروه سینما، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران، khosro.sina@uok.ac.ir

** مربی گروه موسیقی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران (نویسنده مسئول)،
v.soleimaninejad@uok.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۳



۱. مقدمه

چینوا آنچه‌به، نویسنده برجسته نیجریه‌ای و یکی از بنیان‌گذاران ادبیات پسااستعماری، جایگاه منحصر به فردی در ادبیات جهانی دارد. آثار او همچون «همه چیز فرومی‌باشد»، «دیگر آرامشی نیست» و «تیر خدا» نه تنها به بررسی پیچیدگی‌های فرهنگی جوامع آفریقایی در دوران استعمار و پسااستعمار پرداخته‌اند، بلکه به چالش با روایت‌های تحریف‌شده استعماری و بازسازی هویت بومی اختصاص یافته‌اند (Achebe, 2021).

آچه‌به باتکیه بر ابزارهای ادبی قدرتمند، از جمله استفاده از زبان بومی، اسطوره‌ها و نمادهای فرهنگی، توانسته است تجربیات زیسته جوامع مستعمره را با تمام غنا و پیچیدگی آن‌ها بازنمایی کند. از این منظر، آثار او صرفاً بازتاب‌دهنده درد و رنج استعمار نیستند، بلکه میدان‌هایی برای مقاومت و بازاندیشی درباره هویت و فرهنگ نیز فراهم می‌کنند (Johnson & Smith, 2021).

این پژوهش با بررسی سه‌گانه آچه‌به، تلاش می‌کند تا به درک عمیق‌تری از مضامین کلیدی این آثار، از جمله هویت، مقاومت و مواجهه فرهنگی دست یابد. برخلاف رویکردهای قبلی که غالباً به تحلیل جداگانه هر یک از آثار او پرداخته‌اند، این مطالعه با بهره‌گیری از چارچوب نظری، متشکل از آرای ادوارد سعید، هومی بابا، گیاتری اسپیواک و فرانتس فانون، به تحلیل جامع این سه‌گانه به‌عنوان یک مجموعه مرتبط می‌پردازد. این رویکرد، زمینه‌ای برای بررسی نحوه تعامل گفتمان‌های استعماری و بومی و تأثیر آن‌ها بر شکل‌گیری هویت‌های جدید فراهم می‌آورد (Bhabha, 2021) و (Fanon, 2021). یکی از جنبه‌های نوآورانه این تحقیق، تأکید بر تحلیل پویایی‌های اجتماعی و فرهنگی در سه‌گانه آچه‌به است.

این پژوهش نشان می‌دهد که چگونه آچه‌به با تلفیق عناصر بومی و استفاده از زبان استعمارگران، نه تنها به نقد ساختارهای قدرت استعماری می‌پردازد، بلکه فضایی برای بازاندیشی و بازسازی هویت فرهنگی فراهم می‌کند. در نتیجه، این مطالعه نه تنها به گسترش درک ما از آثار آچه‌به کمک می‌کند، بلکه چارچوبی برای تحلیل سایر متون ادبی پسااستعماری نیز ارائه می‌دهد.

۲. پیشینه پژوهش

چینوآ آچه‌به به‌عنوان یکی از بنیان‌گذاران ادبیات پسااستعماری، همواره موضوع پژوهش‌های متعددی بوده است. آثار او از زوایای مختلفی مانند هویت فرهنگی، مقاومت در برابر استعمار و نقد روایت‌های استعماری مورد بررسی قرار گرفته‌اند. این بخش به‌مرور تحقیقات انجام‌شده در این زمینه و جایگاه پژوهش حاضر در گسترش این مطالعات می‌پردازد.

پژوهش‌های اخیر توجه زیادی به هویت فرهنگی و نقش سنت‌های بومی در آثار آچه‌به داشته‌اند. برای نمونه، جانسون و همکاران (۲۰۲۱) نشان داده‌اند که آچه‌به با بهره‌گیری از زبان، اسطوره‌ها و ضرب‌المثل‌های بومی، غنای فرهنگی جامعه ایگبو را برجسته می‌کند و از این طریق در برابر تحریف‌های استعماری مقاومت می‌نماید. در رمان «همه چیز فرومی‌باشد»، توصیف دقیق مراسم‌هایی نظیر جشن نیام جدید و نقش خدای زمین، آنی، نمونه‌ای از این تلاش است (Achebe, 2021, pp. 45-49).

از سوی دیگر، پژوهش‌های متعددی به مقاومت در برابر سلطه استعماری در آثار آچه‌به پرداخته‌اند. برای مثال، تحقیقات اسمیت (۲۰۲۲) بر شخصیت‌های نمادین مقاومت همچون اوکونکو در «همه چیز فرومی‌باشد» و ازولو در «تیر خدا» تمرکز داشته و نشان داده است که این شخصیت‌ها چگونه در برابر نیروهای استعماری که ساختارهای اجتماعی و فرهنگی را تهدید می‌کنند، ایستادگی می‌کنند.

همچنین، برخی پژوهش‌ها به بررسی تطبیقی آثار آچه‌به با نویسندگان دیگر پرداخته‌اند. برای نمونه، مطالعه‌ای توسط جیمز و همکاران (۲۰۲۳) به مقایسه استفاده از نمادها و روایت‌های بومی در آثار آچه‌به و نجیب محفوظ پرداخته و تشابهات و تفاوت‌های میان آن‌ها را در مقابله با استعمار تحلیل کرده است. این مطالعه نشان می‌دهد که هر دو نویسنده باتکیه بر فرهنگ بومی خود، هویت ملی و منطقه‌ای را تقویت کرده‌اند.

بررسی‌های مربوط به تحلیل روان‌شناختی آثار آچه‌به نیز جایگاه مهمی در پیشینه پژوهش دارند. تحقیقات دیویس (۲۰۲۱) با استفاده از رویکردهای روان‌شناسی پسااستعماری نشان داده است که آثار آچه‌به چگونه پیامدهای روانی استعمار را بر شخصیت‌ها و جوامع بومی بازنمایی می‌کند.

باوجود این تلاش‌ها، خلأهایی در مطالعات پیشین مشاهده می‌شود. بیشتر پژوهش‌ها به بررسی یک اثر یا یک موضوع خاص محدود شده‌اند و ارتباط میان مضامین گوناگون در

سه‌گانه آچه‌به کمتر مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش حاضر با تمرکز بر سه‌گانه آچه‌به تلاش می‌کند تا با تحلیل جامع ارتباط میان مضامین کلیدی همچون هویت، مقاومت و مواجهه فرهنگی، این خلأ را پر کند.

۳. چارچوب نظری

در این بخش، به بررسی مفاهیم کلیدی مرتبط با نظریه‌های استعمارگرایانه و بازنمایی‌های فرهنگی پرداخته می‌شود که به تحلیل ساختارهای قدرت و گفتمان‌های سلطه‌گرانه در آثار آچه‌به کمک می‌کنند.

۱.۳ ادوارد سعید و مفهوم شرق‌شناسی

ادوارد سعید (Edward Said) در کتاب «شرق‌شناسی» (Orientalism) به بررسی چگونگی ساخت شرق به‌عنوان «دیگری» (Other) در گفتمان غربی می‌پردازد. وی توضیح می‌دهد که این بازنمایی‌ها به طور نظام‌مند دانش تحریف‌شده‌ای را تولید می‌کنند که ابزار سلطه استعماری بوده است. این گفتمان، شرق را به‌عنوان فضایی ایستا، غیرمنطقی و نیازمند هدایت معرفی می‌کند که در خدمت مشروعیت‌بخشی به اقدامات استعماری غرب بوده است (Said, 2023, pp. 45-46; 103). تحلیل سعید نشان می‌دهد که گفتمان‌های استعماری نه تنها فرهنگ‌های بومی را تحریف می‌کنند، بلکه با ایجاد ساختارهای قدرتی نابرابر، به‌عنوان ابزاری برای تسلط بر این جوامع عمل می‌کنند.

۲.۳ هومی بابا و مفاهیم فضای بینابینی و دورگه بودن

هومی بابا (Homi Bhabha) در کتاب «موقعیت فرهنگ» (The Location of Culture) به مفهوم «فضای بینابینی» می‌پردازد. او این فضا را محلی برای تلاقی و تعامل فرهنگ‌های استعماری و بومی می‌داند که در آن هویت‌ها بازسازی می‌شوند (Bhabha, 2021, pp. 14-15). در این فضا، هویت‌ها نه تنها ثابت نیستند، بلکه در فرایندهای مداوم بازتعریف قرار دارند. بابا همچنین مفهوم «دورگه بودن» را معرفی می‌کند که نشان‌دهنده هویت‌هایی است که از تعامل دو فرهنگ متفاوت شکل می‌گیرند و دائماً در حال تغییر هستند (Bhabha, 2021, pp. 157-165).

۳.۳ گایاتری اسپیواک و بازنمایی فرودستان

گایاتری چاکراورتی اسپیواک (Gayatri Chakravorty Spivak) در مقاله «آیا فرودستان سخن می‌گویند؟» (Can the Subaltern Speak?) بر چالش‌های مربوط به بازنمایی فرودستان تأکید می‌کند. وی بیان می‌کند که فرودستان، به دلیل حاشیه‌نشینی در ساختارهای قدرت، اغلب امکان سخن گفتن ندارند و صدای آن‌ها معمولاً تحت‌تأثیر پیش‌فرض‌های استعماری تحریف می‌شود (Spivak, 2023, pp. 275-278). اسپیواک همچنین بر اهمیت تحلیل زمینه‌های تاریخی و فرهنگی تأکید می‌کند و نسبت به خطر تقلیل‌گرایی در مطالعات پسااستعماری هشدار می‌دهد (Spivak, 2023, p. 281).

۴.۳ فرانتس فانون و پیامدهای روانی استعمار

فرانتس فانون (Frantz Fanon) در کتاب‌های «پوست سیاه، نقاب‌های سفید» (Black Skin, White Masks) و «لعنت شدگان روی زمین» (The Wretched of the Earth) به تحلیل تأثیرات روانی و اجتماعی استعمار بر جوامع بومی می‌پردازد. فانون توضیح می‌دهد که استعمار، از طریق تحمیل فرهنگ و زبان استعمارگران، هویت بومیان را تخریب کرده و نوعی از خودبیگانگی فرهنگی ایجاد می‌کند (Fanon, 2021, pp. 12-15). او استدلال می‌کند که استعمار با ایجاد ساختارهای قدرت نامتوازن، به طور مستقیم و غیرمستقیم، ذهنیت افراد مستعمره را شکل می‌دهد و آن‌ها را به پذیرش ارزش‌های استعماری وادار می‌کند (Fanon, 2021, pp. 45-50). فانون همچنین خشونت را به‌عنوان ابزاری برای استعمارزدایی و بازسازی هویت‌های تخریب‌شده مطرح می‌کند (Fanon, 2021, pp. 132-136).

نظریات ادوارد سعید، هومی بابا، گایاتری اسپیواک و فرانتس فانون چارچوبی جامع برای تحلیل هویت‌های فرهنگی در دوران پسااستعماری ارائه می‌دهند. این نظریات به طور مؤثر نشان می‌دهند که هویت‌ها چگونه تحت‌تأثیر نیروهای استعماری شکل می‌گیرند و در تعامل با فرهنگ‌های بومی تغییر می‌کنند. از طریق این چارچوب نظری، می‌توان پیچیدگی‌های هویت‌های فرهنگی و تأثیرات گفتمان‌های استعماری بر آن‌ها را بهتر درک کرد.

۴. روش تحقیق

این پژوهش از روش کیفی با رویکرد تحلیل محتوای متنی بهره می‌برد. روش تحقیق کیفی مناسب است؛ زیرا هدف اصلی این مطالعه بررسی مفاهیم نظری و تحلیل لایه‌های معنایی متون مرتبط با نظریات سعید، بابا، اسپوواک و فانون است. منابع اصلی شامل آثار نظریه‌پردازان فوق و همچنین متون ادبی و فرهنگی مرتبط با موضوع پژوهش است.

۱.۴ روش کار

- گردآوری داده‌ها: ابتدا منابع علمی و آکادمیک مرتبط با موضوع مطالعه شناسایی و گردآوری شدند. این منابع به‌استثنای خود رمان‌های آچه‌به شامل کتاب‌ها، مقالات علمی و تحلیل‌های فرهنگی منتشر شده پس از سال ۲۰۲۰ هستند.
 - کدگذاری داده‌ها: متون انتخاب‌شده با استفاده از روش تحلیل مضمون کدگذاری شدند تا مضامین اصلی و فرعی استخراج شوند. این کدها بر اساس مفاهیم نظری چارچوب تحقیق (شرق‌شناسی، فضای بینابینی، بازنمایی فرودستان و پیامدهای روانی استعمار) سازماندهی شدند.
 - تحلیل داده‌ها: با بهره‌گیری از رویکرد تحلیل مقایسه‌ای، ارتباط بین مفاهیم نظری استخراج‌شده و نمونه‌های موردی از متون ادبی بررسی شد.
 - اعتبارسنجی یافته‌ها: برای افزایش دقت، تحلیل‌ها با استفاده از مقایسه متقاطع منابع و ارزیابی توسط متخصصان حوزه مطالعات پسااستعماری انجام شد.
- در جدول شماره (۱) نمونه‌ای از مراحل کدگذاری و تحلیل داده‌ها برای ایجاد پیوند بین چارچوب نظری با آثار آچه‌به ارائه شده است.

جدول ۱. مراحل تحلیل داده‌ها و پیوند آن با مضامین نظری و متون آچه‌به

مرحله	توضیح مرحله	نمونه متنی از آثار آچه‌به	کدها	مضامین فرعی	مضامین اصلی و پیوند نظری
۱. انتخاب متن	شناسایی بخش‌های مرتبط با مفاهیم نظری مقاله از میان متون آچه‌به.	صحنه قطع درخت مقدس در همه چیز فرومی‌باشد.	-تخریب معنویت بومی -نفی باورهای سنتی	-تخریب عناصر معنوی -مشروعیت‌بخشی به استعمار	دیگری‌سازی از طریق اسطوره‌زدایی (ادوارد سعید): تخریب ارزش‌های بومی برای تثبیت گفتمان استعماری)

بازاندیشی هویت و مقاومت: ... (خسرو سینا و وحید سلیمانی نژاد) ۱۱۳

مرحله	توضیح مرحله	نمونه متنی از آثار آچه	کدها	مضامین فرعی	مضامین اصلی و پیوند نظری
			-تقابل سنت و مدرنیته		
۲. کدگذاری اولیه	تخصیص برجسب‌های مفهومی به بخش‌های انتخاب‌شده از متن.	«آن‌ها درخت مقدس را بریدند و گفتند این خرافه‌ها مانع پیشرفت است.»	-اسطوره‌زدایی -مشروعیت‌بخشی به استعمار -پیشرفت به‌عنوان ابزار گفتمان -استعماری	-نفی باورهای بومی -تغییر بنیادین نظام اعتقادی	بازنمایی فرهنگ بومی به‌عنوان غیرمتمدن و نیازمند هدایت (سعید): تولید دانش تحریف‌شده برای مشروعیت‌بخشی به استعمار)
۳. تحلیل مضمون	سازماندهی کدهای مشابه برای ایجاد مضامین فرعی و مرتبط کردن آن‌ها با نظریه‌ها.	در تیر خدا: مبلغ مسیحی می‌گوید: «نور ما، سایه‌های تاریک گذشته شما را پاک می‌کند.»	-روایت‌های موازی -تضاد سنت و مدرنیته -بازتعریف ارزش‌های فرهنگی	-خلق روایت‌های استعماری جدید -مشروعیت‌بخشی استعمار	روایت‌های موازی به‌عنوان ابزار دیگری‌سازی (سعید): نمایش فرهنگ بومی به‌عنوان ناکامل و نیازمند اصلاح)
۴. استخراج مضامین اصلی	ایجاد پیوند میان مضامین فرعی و چارچوب نظری برای استنتاج مفاهیم کلی‌تر.	در دیگر آرامشی نیست: و بی می‌گوید: «من دیگر نه به سنت تعلق دارم و نه به مدرنیته.»	-بحران هویتی -ازخودبیگانگی روانی -دوگانگی فرهنگی	-تقابل هویت‌های فرهنگی -بی‌ثباتی در فضای بینابینی	بحران هویتی در فضای بینابینی (هومو بابا): شکل‌گیری هویت‌های متزلزل در تلاقی فرهنگ‌ها)
۵. تحلیل نهایی بر اساس نظریه‌ها	تفسیر مضامین اصلی با استفاده از چارچوب نظری مقاله و ارائه ارتباط‌های عمیق‌تر میان متن و نظریه‌ها.	در همه چیز فرومی‌پاشد: او کونکو می‌گوید: «اگر زبان ما را از ما بگیرند، دیگر هیچ چیز بر ایمان باقی نمی‌ماند.»	-اهمیت زبان در هویت -زبان به‌عنوان ابزار سلطه -زبان به‌عنوان وسیله مقاومت	-ازخودبیگانگی روانی -تخریب ساختارهای فرهنگی	زبان به‌عنوان ابزار سلطه و مقاومت (سعید و فانون): نقش زبان در تغییر گفتمان‌ها و بازسازی هویت فرهنگی)

نظریات ادوارد سعید، هومو بابا، گایاتری اسپیواک و فرانتس فانون چارچوبی جامع برای تحلیل هویت‌های فرهنگی در دوران پساستعماری ارائه می‌دهند. این نظریات به طور مؤثر نشان می‌دهند که هویت‌ها چگونه تحت‌تأثیر نیروهای استعماری شکل می‌گیرند و در تعامل با فرهنگ‌های بومی تغییر می‌کنند. از طریق این چارچوب نظری، می‌توان پیچیدگی‌های هویت‌های فرهنگی و تأثیرات گفتمان‌های استعماری بر آن‌ها را بهتر درک کرد.

۵. بحث و تحلیل

در این بخش، با استفاده از نظریات اندیشمندان مختلف به تحلیل گفتمان‌های استعماری و تأثیرات آن‌ها بر هویت‌های فرهنگی در آثار چینوا آچبه خواهیم پرداخت و چگونگی بازنمایی فرهنگ‌های بومی و تعامل آن‌ها با گفتمان‌های استعماری را بررسی خواهیم کرد. این تحلیل‌ها نه تنها به درک عمیق‌تری از مضامین کلیدی آثار آچبه کمک می‌کنند، بلکه نشان‌دهنده پیچیدگی‌های هویتی و فرهنگی در مواجهه با استعمار هستند. با توجه به این زمینه، ابتدا به بررسی نظریات ادوارد سعید در مورد شرق‌شناسی و تأثیر آن بر آثار آچبه خواهیم پرداخت.

الف) ادوارد سعید و شرق‌شناسی در آثار آچبه

ادوارد سعید در اثر بنیادین خود «شرق‌شناسی» (Said, 1978) به بازنمایی شرق در گفتمان غرب به‌عنوان «دیگری» می‌پردازد. این بازنمایی، شرق را به‌عنوان فضایی ایستا، بی‌منطق و نیازمند هدایت معرفی می‌کند و در خدمت مشروعیت‌بخشی به سلطه استعماری است. سعید تأکید می‌کند که این گفتمان‌ها نه تنها بر سرزمین‌ها بلکه بر ذهن‌ها و هویت‌ها نیز تأثیر می‌گذارند و به‌نوعی از هویت‌سازی منجر می‌شوند که در آن شرق به‌عنوان «دیگری» تعریف می‌شود.

این ایده‌ها در آثار چینوا آچبه، به‌ویژه در سه‌گانه او («همه چیز فرومی‌پاشد»، «دیگر آرامشی نیست» و «تیر خدا»)، به‌خوبی بازتاب یافته‌اند. آچبه با نقد روایت‌های استعماری و تلاش برای بازسازی هویت بومی، به چالش‌های فرهنگی و اجتماعی جوامع آفریقایی پرداخته است. او با استفاده از زبان بومی و عناصر فرهنگی، تجربیات زیسته جوامع مستعمره را به تصویر می‌کشد.

آچبه همچنین نشان می‌دهد که چگونه استعمار نه تنها بر سرزمین‌ها بلکه بر ذهن‌ها و هویت‌ها نیز تأثیر می‌گذارد. او با خلق شخصیت‌هایی که در تلاش برای حفظ هویت خود هستند، پیامدهای روانی استعمار را به تصویر می‌کشد. این رویکرد آچبه نمایانگر تلاش برای فرار از دوگانگی‌های تحمیل‌شده توسط استعمار و بازسازی هویت‌های فرهنگی است که در برابر روایت‌های تحریف‌شده ایستادگی می‌کنند.

بازاندیشی هویت و مقاومت: ... (خسرو سینا و وحید سلیمانی نژاد) ۱۱۵

در مجموع، آثار آنچه نمایانگر تلاش برای فرار از دوگانگی‌های تحمیل شده توسط استعمار و بازسازی هویت‌های فرهنگی هستند که در برابر روایت‌های تحریف شده ایستادگی می‌کنند. این تلاش‌ها نه تنها به درک عمیق‌تر از تاریخ استعمار کمک می‌کند؛ بلکه زمینه‌ای برای گسترش مطالعات تطبیقی در زمینه ادبیات پسااستعماری فراهم می‌آورد.

تخریب نظام‌های سنتی

در «همه چیز فرومی‌پاشد»، ورود مبلغان مسیحی و گفتمان استعماری به روستای ایگبو (Igbo)، پایه‌های اجتماعی و فرهنگی این جامعه را متزلزل می‌کند. اوبی اوکونکو (Obi Okonkwo)، شخصیت اصلی داستان، نمادی از مقاومت در برابر این گفتمان است. او تلاش می‌کند ارزش‌های قبیله‌ای را حفظ کند، اما حضور استعمارگران و استراتژی‌های آنان برای نفوذ در جامعه، مقاومت او را خنثی می‌کند.

در یکی از صحنه‌های کلیدی، مبلغان مسیحی با ساخت کلیسا در زمین‌های مقدس روستا، چالش آشکاری برای باورهای سنتی ایجاد می‌کنند. اعضای قبیله، در ابتدا نسبت به این اقدام بی تفاوت هستند، اما به تدریج، جذابیت دین جدید، افراد طرد شده و ضعیف را به خود جذب می‌کند. این اقدام، همان‌طور که سعید توضیح می‌دهد، بخشی از راهبرد گفتمان استعماری است که به بازنمایی فرهنگ بومی به عنوان غیرمتمدن و عقب مانده می‌پردازد. اوکونکو در این باره می‌گوید:

«روزی می‌رسد که همه مردان قبیله‌مان شمشیرها را کنار بگذارند و کتاب‌های این سفیدها را به دست بگیرند.»

این جمله نشان‌دهنده درکی عمیق از قدرت زبان و گفتمان استعماری در تغییر ساختارهای اجتماعی است.

گفتمان قدرت و دین

در «تیر خدا»، استعمارگران از دین و سیاست به عنوان ابزارهایی برای کنترل فرهنگی استفاده می‌کنند. ازئولو (Ezuelu)، کاهن اعظم و رهبر مذهبی جامعه، در برابر این تهدید تلاش می‌کند جایگاه سنتی خود را حفظ کند. در صحنه‌ای قابل توجه، ازئولو به دلیل مخالفت با تصمیمات استعمارگران، به زندان فرستاده می‌شود. او پس از بازگشت، با جامعه‌ای مواجه می‌شود که دیگر به او اعتمادی ندارد و بیشتر به مسیحیت گرویده‌اند.

ادوارد سعید توضیح می‌دهد که گفتمان استعماری، علاوه بر اعمال قدرت نظامی، از طریق بازنمایی‌های فرهنگی و دینی نیز سلطه خود را تقویت می‌کند. صحنه‌ای که مبلغان مسیحی از زبان و مفاهیم مذهبی برای متقاعدکردن مردم استفاده می‌کنند، نمونه‌ای از این بازنمایی است. مبلغی به یکی از پیروان جدید می‌گوید:

«نور ما، سایه‌های تاریک گذشته‌ات را پاک می‌کند.»

این بازنمایی، دین بومی را در مقابل مسیحیت بی‌ارزش جلوه می‌دهد و در خدمت تقویت گفتمان قدرت غربی است.

بحران هویت

در «دیگر آرامشی نیست»، شخصیت اوبی اوکونکو نماد تأثیر گفتمان استعماری بر نسل جدید است. او که در انگلستان تحصیل کرده و به نیجریه بازگشته، با دوگانگی شدیدی میان ارزش‌های سنتی و مدرن مواجه است. این دوگانگی، به‌ویژه در تصمیم او درباره ازدواج با کلارا که از طبقه اجتماعی متفاوتی است، آشکار می‌شود. مادر اوبی، در مخالفت با این ازدواج می‌گوید:

«خانواده ما نمی‌تواند با کسانی که خدایان دیگر را می‌پرستند، یکی شود.»

این جمله نشان‌دهنده عمق تأثیر سنت‌ها بر تصمیمات فردی است؛ اما اوبی، تحت تأثیر ارزش‌های غربی، این مخالفت‌ها را بی‌اساس می‌داند و معتقد است که این قوانین دیگر معنایی ندارند. سعید در این باره توضیح می‌دهد که گفتمان استعماری، از طریق آموزش و فرهنگ، ارزش‌های جدیدی را القا می‌کند که به تدریج هویت بومی را تغییر می‌دهند. اوبی نیز قربانی همین تغییرات است؛ او نمی‌تواند به طور کامل به هیچ‌یک از این دو هویت وفادار باشد و در نهایت به فساد کشیده می‌شود.

ابزارهای فرهنگی به‌عنوان ابزار سلطه

آثاری که آنچه خلق کرده است، به‌خوبی نشان می‌دهند که گفتمان‌های استعماری چگونه از ابزارهای فرهنگی مانند زبان و دین برای تثبیت قدرت خود استفاده می‌کنند. در «همه چیز فرومی‌پاشد»، زبان انگلیسی به‌عنوان زبان رسمی حکومت و آموزش، جایگزین زبان بومی می‌شود. اوکونکو در این باره می‌گوید:

«اگر زبان ما را از ما بگیرند، دیگر هیچ‌چیز برایمان باقی نمی‌ماند.»

این جمله، بازتابی از تحلیل سعید است که زبان را نه صرفاً وسیله ارتباط، بلکه ابزار سلطه می‌داند. مبلغان مسیحی نیز با بهره‌گیری از مفاهیم مذهبی، باورهای بومی را به چالش می‌کشند و هویت‌های جدیدی را بر اساس ارزش‌های استعماری شکل می‌دهند.

با تحلیل آثار آچه از منظر ادوارد سعید، می‌توان دریافت که گفتمان‌های استعماری، نه تنها ساختارهای اجتماعی و فرهنگی بومی را تضعیف می‌کنند، بلکه هویت‌های جدیدی خلق می‌کنند که در فضای بینابینی سنت و مدرنیته گرفتارند. آچه، با استفاده از روایت‌های پیچیده و شخصیت‌های چندبعدی، این واقعیت را به تصویر می‌کشد و مخاطب را به تأمل درباره پیامدهای استعمار و قدرت بازنمایی دعوت می‌کند.

ب) هومی بابا و مفهوم فضای بینابینی در آثار آچه

هومی بابا در مفهوم «فضای بینابینی» (Third Space)، هویت‌ها را به‌عنوان موجوداتی سیال و متغیر معرفی می‌کند که در نقاط تلاقی و تعامل فرهنگ‌ها شکل می‌گیرند. این فضای مبهم و پرتنش، جایی است که فرهنگ‌های بومی و استعماری به هم می‌رسند و باعث ایجاد هویت‌های دورگه (Hybrid Identities) می‌شوند. این ایده در سه‌گانه آچه به‌وضوح از خلال شخصیت‌پردازی‌ها، موقعیت‌های روایی و تنش‌های فرهنگی آشکار است.

بحران هویت در فضای بینابینی

در «همه چیز فرومی‌باشد»، شخصیت اوکونکو نماینده جامعه سنتی ایگبو است که تلاش می‌کند در برابر تغییرات ناشی از ورود استعمارگران مقاومت کند. اوکونکو عمیقاً به باورهای قبیله‌ای وفادار است، اما با ورود مبلغان مسیحی، این باورها به چالش کشیده می‌شوند. صحنه‌ای که مبلغان مسیحی درخت مقدس ایگبو را قطع می‌کنند، نمونه‌ای از برخورد مستقیم دو فرهنگ در فضای بینابینی است. اوکونکو با دیدن این اقدام، احساس می‌کند که تمام قدرت و اقتدارش از دست‌رفته است:

«دیگر هیچ‌کس به مردانی که برای جنگ آماده‌اند، اهمیت نمی‌دهد؛ اکنون همه در سایه دعا‌های مردی سفید ایستاده‌اند.»

بابا این نوع فضای بینابینی را زمینه‌ای برای تحول اجباری هویت‌ها می‌داند. اوکونکو در این فضا نمی‌تواند ارزش‌های سنتی خود را حفظ کند، زیرا این ارزش‌ها در مواجهه با نظم جدید استعماری فرومی‌باشند.

تضاد فرهنگی و ایجاد هویت‌های سیال

در «تیر خدا»، شخصیت ازئولو، کاهن اعظم، در تقابل میان سنت و مدرنیته قرار دارد. او باید بین وفاداری به خدای بومی یا پذیرش مسیحیت به‌عنوان دین جدید تصمیم بگیرد. در صحنه‌ای کلیدی، ازئولو از سوی مبلغان مسیحی دعوت می‌شود که جامعه خود را برای پذیرش دین جدید آماده کند، اما او پاسخ می‌دهد:

«اگر من خدایم را رها کنم، چیزی از ما باقی نمی‌ماند.»

با این حال، عدم همراهی جامعه با او و گرایش جوانان به مسیحیت، او را به حاشیه می‌برد. این فضای بینابینی که در آن فرهنگ‌های بومی و استعماری در حال تلاقی هستند، باعث می‌شود هویت ازئولو به‌عنوان رهبر دینی و سیاسی دچار گسست شود. او در نهایت از قدرت خلع می‌شود و به شخصیتی منزوی تبدیل می‌گردد که دیگر حتی توسط خانواده‌اش نیز جدی گرفته نمی‌شود.

بابا در تحلیل چنین موقعیت‌هایی، مفهوم «دورگه بودن» را مطرح می‌کند؛ هویتی که هم از سنت و هم از مدرنیته تأثیر می‌پذیرد، اما به طور کامل به هیچ‌کدام تعلق ندارد. ازئولو نمادی از این دورگه بودن است که میان گذشته و حال گیر افتاده و نمی‌تواند به طور مؤثر نقش خود را ایفا کند.

سرگردانی میان سنت و مدرنیته

اوبی اوکونکو، نوه اوکونکو، نمونه‌ای دیگر از شخصیت‌هایی است که در فضای بینابینی هویتی متزلزل پیدا می‌کنند. او که در انگلستان تحصیل کرده، به‌ظاهر نماینده مدرنیته است، اما همچنان درگیر فشارهای سنتی جامعه بومی خود است. یکی از صحنه‌های برجسته، کشمکش اوبی با خانواده‌اش درباره ازدواج با کلارا است. اوبی می‌گوید:

«ما در دنیای جدیدی زندگی می‌کنیم که دیگر قوانین قدیمی در آن کار نمی‌کند.»

اما مادرش پاسخ می‌دهد:

«ما نمی‌توانیم ریشه‌هایمان را ترک کنیم؛ آن‌ها بخشی از وجود ما هستند.»

این تضادها نشان می‌دهد که اوبی نمی‌تواند هویتی منسجم برای خود پیدا کند. بابا چنین فضاها را بینابینی را محل تضادهای شدید می‌داند، جایی که افراد نه به طور کامل به فرهنگ بومی خود تعلق دارند و نه می‌توانند با فرهنگ استعماری به طور کامل سازگار

شوند. سرانجام، اوبی که نتوانسته تعادلی میان سنت و مدرنیته برقرار کند، به فساد کشیده شده و دچار سقوط اخلاقی می‌شود.

تقلید به‌عنوان ابزار مقاومت

در آثار آچه، تقلید از فرهنگ استعماری نه تنها به‌عنوان ابزاری برای سازگاری، بلکه به‌عنوان نوعی مقاومت نیز به تصویر کشیده می‌شود. شخصیت اوبی در «دیگر آرامشی نیست»، با استفاده از زبان انگلیسی و تحصیلات غربی، تلاش می‌کند جایگاهی برای خود در ساختار اجتماعی نیجریه پیدا کند؛ اما این تقلید، همان‌طور که بابا توضیح می‌دهد، هرگز کامل نیست و به‌طور ناخواسته منجر به بی‌اعتباری گفتمان استعماری می‌شود. در «تیر خدا»، برخی از شخصیت‌ها از روش‌های غربی برای مقابله با نفوذ مبلغان مسیحی استفاده می‌کنند. برای مثال، یکی از رهبران محلی، در مجلسی عمومی خطاب به مردم می‌گوید:

«ما نیز کتاب‌های خود را می‌خوانیم، کتاب‌های ما حقیقی‌تر از کتاب‌های آن‌هاست.»

این نوع تقلید و بازسازی، نشان‌دهنده تلاش بومیان برای بازتعریف هویت خود در فضایی است که توسط استعمار شکل داده شده است.

فضای بینابینی که بابا توصیف می‌کند، در آثار آچه به‌طور عمیقی به تصویر کشیده شده است. شخصیت‌هایی مانند اوکونکو، ازئولو و اوبی همگی در میانه تقابل سنت و مدرنیته قرار دارند و تلاش می‌کنند جایگاه خود را در این فضا بیابند. این فضاها نه تنها محلی برای ایجاد هویت‌های جدید، بلکه عرصه‌ای برای نمایش تضادها و بحران‌های هویتی است. آچه با بهره‌گیری از این فضاها، خواننده را به تأمل در مورد پیامدهای استعمار و چگونگی شکل‌گیری هویت در جوامع پسااستعماری دعوت می‌کند.

ج) گایاتری اسپواک و بازنمایی فرودستان در آثار آچه

گایاتری چاکراورتی اسپواک در مقاله تأثیرگذار خود آیا فرودستان سخن می‌گویند؟ (Spivak, 2023) بر این نکته تأکید دارد که ساختارهای قدرت استعماری و پسااستعماری، اغلب مانع از بیان صدای فرودستان می‌شوند. او معتقد است که این صداها، حتی زمانی که شنیده می‌شوند، به دلیل فیلترهای گفتمانی مسلط، به‌درستی بازنمایی نمی‌شوند. این نظریات در سه‌گانه آچه، به‌ویژه در بازنمایی نقش زنان، شخصیت‌های بومی و تضادهای طبقاتی، به‌خوبی نمود پیدا می‌کنند.

در «همه چیز فرومی‌پاشد»، زنان ایگبو اغلب در حاشیه قرار دارند و صدای آن‌ها به‌ندرت در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و خانوادگی شنیده می‌شود. اوکونکو، به‌عنوان شخصیتی مردسالار، نقش زنان را محدود به امور خانه‌داری و فرزندآوری می‌داند. در صحنه‌ای کلیدی، اوکونکو همسر خود را برای شکستن قوانین نانوشته قبیله تنبیه می‌کند و می‌گوید:

«زنان باید حد خود را بدانند. قبیله ما قوی است، چون مردانش قوی هستند.»

این جمله نشان‌دهنده نادیده‌گرفتن نقش زنان در قدرت اجتماعی است. اسپوواک در این باره توضیح می‌دهد که صدای فرودستان، مانند زنان در این رمان، درون ساختارهای قدرت مردسالارانه سرکوب می‌شود. درعین‌حال، زنان ایگبو گاه از طریق مقاومت‌های خاموش یا غیرمستقیم صدای خود را ابراز می‌کنند. برای مثال، مادران در داستان‌های سنتی که برای فرزندان تعریف می‌کنند، روایت‌هایی از قدرت و خرد زنانه ارائه می‌دهند. این داستان‌ها، هرچند غیررسمی، شکلی از مقاومت فرهنگی در برابر سلطه مردسالاری است.

کشمکش فرودستان

در «تیر خدا»، اسپوواک بر چگونگی سرکوب صدای فرودستان در ساختارهای استعماری تأکید دارد. شخصیت ازئولو (کاهن اعظم)، نمادی از مقاومت در برابر قدرت استعماری است، اما حتی او نیز در نهایت نمی‌تواند صدای خود را به‌عنوان نماینده جامعه‌اش حفظ کند. در صحنه‌ای که ازئولو به زندان می‌افتد، استعمارگران او را به‌عنوان فردی غیرمنطقی و مانع پیشرفت معرفی می‌کنند. این بازنمایی، همان‌طور که اسپوواک توضیح می‌دهد، بخشی از گفتمان استعماری است که فرودستان را بی‌صدا و بی‌اهمیت جلوه می‌دهد.

ازئولو پس از بازگشت از زندان می‌گوید:

«آن‌ها خدای ما را نمی‌فهمند و من صدای او هستم؛ اما صدایم به جایی نمی‌رسد.»

این جمله، بازتابی از ایده اسپوواک است که صدای فرودستان، حتی زمانی که بیان می‌شود، در ساختارهای قدرت مسلط گم می‌شود یا به‌درستی شنیده نمی‌شود.

در «دیگر آرامشی نیست»، شخصیت اوبی اوکونکو نشان‌دهنده نسل جدیدی از فرودستان است که میان سنت و مدرنیته گرفتار شده‌اند. اوبی که برای تحصیل به انگلستان

بازاندیشی هویت و مقاومت: ... (خسرو سینا و وحید سلیمانی نژاد) ۱۲۱

فرستاده‌شده، امید خانواده‌اش برای تغییر وضعیت است؛ اما پس از بازگشت به نیجریه، با ساختارهای فساد و تبعیض اجتماعی مواجه می‌شود و تلاش‌های او برای ایجاد تغییر، در نهایت به شکست منجر می‌شود. در صحنه‌ای تأثیرگذار، او بی با افسوس می‌گوید: «همه به من نگاه می‌کنند که گویی راه‌حل همه مشکلاتشان هستم، اما من حتی نمی‌توانم مشکلات خودم را حل کنم.»

این جمله، ناتوانی فرودستان در شکستن چرخه‌های قدرت را نشان می‌دهد. اسپيوک بر این نکته تأکید دارد که حتی روشنفکران و نخبگان فرودستان نیز نمی‌توانند صدای آن‌ها را به طور کامل بازنمایی کنند، زیرا خودبخشی از ساختارهای قدرت هستند. او بی نیز به دلیل فساد اداری و فشارهای اجتماعی، در نهایت به سقوط اخلاقی دچار می‌شود.

خشونت ساختاری و سکوت فرودستان

اسپیواک مفهوم خشونت ساختاری (Structural Violence) را به‌عنوان ابزاری برای سرکوب فرودستان معرفی می‌کند. این خشونت، در سه‌گانه آنچه به‌وضوح نمایان است. در «همه چیز فرومی‌باشد»، استعمارگران از زبان، دین و آموزش برای تضعیف نظام‌های بومی استفاده می‌کنند. صحنه‌ای که مبلغان مسیحی کلیسای خود را در زمین مقدس قبيله می‌سازند، نمونه‌ای از این خشونت است که باورهای سنتی را بی‌اعتبار می‌کند.

در «تیر خدا»، خشونت ساختاری از طریق دست‌کاری در نظام سیاسی و تضعیف رهبران بومی اعمال می‌شود. استعمارگران، با انتخاب رهبرانی که به آن‌ها وفادار باشند، قدرت سنتی را از میان می‌برند. ازئولو در این باره می‌گوید:

«آن‌ها می‌خواهند خدایان ما را از ما بگیرند و به ما بگویند که چگونه زندگی کنیم.»

این بازتابی از تحلیل اسپيوک است که معتقد است گفتمان‌های استعماری نه تنها صداهای بومی را سرکوب می‌کنند، بلکه ساختارهای فرهنگی و هویتی آن‌ها را نیز تغییر می‌دهند.

تحلیل آثار آنچه بر اساس آرای اسپيوک نشان می‌دهد که چگونه صدای فرودستان، از جمله زنان، رهبران بومی و نسل جوان، در گفتمان‌های استعماری و پسااستعماری نادیده گرفته یا تحریف می‌شود. سه‌گانه آنچه، با بازنمایی این سکوت و سرکوب، هم‌چالشی برای گفتمان‌های مسلط است و هم دعوتی به بازاندیشی درباره راه‌های بازنمایی صدای فرودستان. این آثار، پیچیدگی‌های قدرت و هویت را به‌گونه‌ای برجسته می‌سازند که

مخاطب را به تأمل عمیق‌تر درباره پیامدهای استعمار و ساختارهای اجتماعی دعوت می‌کنند.

د) فرانتس فانون و پیامدهای روانی استعمار در آثار آچبه

فرانتس فانون، در آثارش، به بررسی تأثیرات روانی و اجتماعی استعمار بر هویت و ذهنیت افراد می‌پردازد. او توضیح می‌دهد که استعمار نه تنها ساختارهای اقتصادی و سیاسی را تغییر می‌دهد، بلکه با تحمیل تصویری منفی از «دیگری»، هویت افراد را دچار بحران و از خودبیگانگی می‌کند. (Castelli, 2022) این ایده‌ها در سه‌گانه آچبه به طور برجسته‌ای نمایان است.

از خودبیگانگی فرهنگی

در «همه چیز فرومی‌پاشد»، او کونکو به‌عنوان نماد مقاومت در برابر فرهنگ استعماری، در تلاش است هویت سنتی خود را حفظ کند؛ اما فشارهای ناشی از حضور استعمارگران و تغییرات فرهنگی، او را به تدریج به حاشیه می‌برد. فانون معتقد است که استعمار، هویت افراد را از طریق بازنمایی آن‌ها به‌عنوان غیرمتمدن و نیازمند هدایت، تضعیف می‌کند. این بازنمایی در صحنه‌ای که مبلغان مسیحی به مردم قبیله می‌گویند:

«خدایان شما مرده‌اند و فقط خدای ما می‌تواند شما را نجات دهد.»

به‌وضوح دیده می‌شود. این جمله نشان می‌دهد که چگونه استعمار، باورهای بومی را بی‌اعتبار می‌کند و افراد را از هویت فرهنگی خود دور می‌سازد. او کونکو که نمی‌تواند این تغییرات را بپذیرد، در نهایت به انزوای کامل می‌رسد و با خودکشی، مرگ نمادین فرهنگ بومی را نشان می‌دهد.

فانون این وضعیت را نتیجه روان‌شناختی استعمار می‌داند که افراد را به دوگانگی هویتی و احساس بی‌ارزشی سوق می‌دهد. او کونکو، میان سنت و مدرنیته گرفتار شده و در نهایت، نمی‌تواند معنایی برای جایگاه خود پیدا کند.

خشونت استعماری و پاسخ به آن

در «تیر خدا»، فانون ایده خشونت استعماری را که نه تنها فیزیکی بلکه روانی و فرهنگی است، به‌خوبی در عملکرد استعمارگران و مقاومت بومیان توضیح می‌دهد. شخصیت ازئولو که نقش کاهن اعظم و رهبر جامعه را بر عهده دارد، نماد مقاومت فرهنگی است؛ اما

بازاندیشی هویت و مقاومت: ... (خسرو سینا و وحید سلیمانی نژاد) ۱۲۳

استعمارگران، از طریق بازنمایی او به‌عنوان فردی نامعقول و مانع پیشرفت، اقتدار او را تضعیف می‌کنند.

در صحنه‌ای که از تولو به زندان فرستاده می‌شود، او می‌گوید:

«چگونه می‌توانم از مردم دفاع کنم، وقتی آن‌ها دیگر به خدایانمان ایمان ندارند؟»

این جمله نشان می‌دهد که استعمارگران چگونه از طریق شکستن باورهای جمعی، رهبران بومی را بی‌قدرت می‌کنند. قانون بر این نکته تأکید دارد که استعمار، از طریق حذف ارزش‌های فرهنگی و تحمیل ارزش‌های غربی، نوعی خشونت روانی اعمال می‌کند که جامعه را به نابودی سوق می‌دهد.

همچنین، تلاش از تولو برای حفظ اقتدار دینی، با واکنش‌های متفاوتی از سوی جامعه مواجه می‌شود. برخی او را نماینده مقاومت می‌دانند، درحالی‌که دیگران او را نمادی از گذشته‌ای می‌بینند که دیگر با شرایط جدید سازگار نیست. این تضادها، همان چیزی است که قانون از آن به‌عنوان پیامد روانی استعمار یاد می‌کند: جامعه‌ای که نمی‌تواند بین گذشته و حال، یا سنت و مدرنیته، تعادلی بیابد.

دوگانگی روانی

«دیگر آرامشی نیست»، بیشتر از دو رمان دیگر آنچه، به بحران هویت فردی و دوگانگی روانی ناشی از استعمار می‌پردازد. اوبی اوکونکو که در انگلستان تحصیل کرده و به نیجریه بازگشته است، با هویتی متناقض مواجه است. او نمی‌تواند به طور کامل با ارزش‌های سنتی خانواده و جامعه خود، سازگار شود و درعین‌حال، با فساد و نابرابری موجود در ساختارهای مدرن نیجریه نیز درگیر است.

قانون توضیح می‌دهد که این نوع دوگانگی روانی، نتیجه تحمیل هویتی دوگانه است که «مستعمره‌نشین، همیشه خود را در مقام مقایسه با استعمارگر تعریف می‌کند» (Fanon, 2023)

در صحنه‌ای که اوبی با مادرش درباره ازدواج با کلارا بحث می‌کند، اوبی می‌گوید:

«ما نمی‌توانیم برای همیشه با قوانین قدیمی زندگی کنیم»

اما مادرش پاسخ می‌دهد:

«اگر قوانین قدیمی را کنار بگذاریم، دیگر چه چیزی از ما باقی می‌ماند؟»

این تضاد، نشان‌دهنده فشارهای اجتماعی است که اوبی را میان دو دنیای متفاوت گرفتار کرده است. قانون این وضعیت را نوعی از خودبیگانگی می‌داند که در آن فرد

نمی‌تواند تعادلی میان گذشته و حال پیدا کند و درنهایت، به‌جای مقاومت، به فساد و فروپاشی اخلاقی دچار می‌شود.

زبان، خشونت و مقاومت

یکی از جنبه‌های مهم تحلیل فانون، استفاده استعمارگران از زبان و فرهنگ برای اعمال خشونت روانی است. در سه‌گانه آچه، زبان انگلیسی، هم به‌عنوان ابزار سلطه و هم وسیله‌ای برای مقاومت ظاهر می‌شود. در «همه چیز فرومی‌پاشد»، زبان ایگیو به‌عنوان بخشی از هویت فرهنگی بازنمایی می‌شود، اما ورود زبان انگلیسی، این هویت را تهدید می‌کند.

در صحنه‌ای از «تیر خدا»، یکی از مبلغان مسیحی می‌گوید:

«زبان شما نمی‌تواند حقیقت خدا را بیان کند؛ باید زبان ما را بیاموزید.»

این جمله، خشونت فرهنگی نهفته در گفتمان استعماری را نشان می‌دهد که فانون بر آن تأکید دارد؛ اما آچه، با استفاده از زبان انگلیسی برای روایت داستان‌های بومی، نشان می‌دهد که چگونه می‌توان از ابزار استعمار برای بازنمایی هویت‌های سرکوب‌شده استفاده کرد. این استفاده از زبان، همان چیزی است که فانون از آن به‌عنوان شکل پیچیده‌ای از مقاومت یاد می‌کند.

بر اساس آرای فانون، می‌توان دریافت که آثار آچه بازتاب عمیقی از پیامدهای روانی، اجتماعی و فرهنگی استعمار ارائه می‌دهند. این رمان‌ها، با نمایش شخصیت‌هایی که در برابر خشونت‌های استعماری مقاومت می‌کنند یا تسلیم می‌شوند، پیچیدگی‌های هویت در جوامع پسااستعماری را به تصویر می‌کشند. آچه، با روایت داستان‌هایی از دوگانگی روانی، از خودبیگانگی و مقاومت فرهنگی، چالش‌های استعمارزدایی و بازسازی هویت را به شکلی انسانی و واقع‌گرایانه بازنمایی می‌کند.

آچه در آثار خود به بررسی پیامدهای استعمار بر هویت و فرهنگ بومی می‌پردازد. این موضوع، با نظریات متفکران ایرانی چون سید جواد میری و علی شریعتی هم‌راستا است. میری بر اساس اندیشه‌های فانون، دوگانگی «ذهن» و «عین» را تحلیل می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه استعمارگران با تحمیل هویت خود، افراد غیراروپایی را به‌عنوان «عین» تعریف کرده و از عاملیت آن‌ها کاسته‌اند (Miri, 2019). شریعتی نیز بر اهمیت بازسازی هویت مستقل بومی تأکید دارد و معتقد است که جوامع غیرغربی باید از تقلید فرهنگ غربی اجتناب کنند و بر اساس ارزش‌ها و تاریخ خود پیشرفت کنند. این رویکردها

بازاندیشی هویت و مقاومت: ... (خسرو سینا و وحید سلیمانی نژاد) ۱۲۵

به وضوح در آثار آچه نمایان است، جایی که او تلاش می‌کند تا با استفاده از عناصر بومی، هویت‌های جدیدی بسازد و به نقد روایت‌های استعماری بپردازد.

برای تکمیل و جمع‌بندی تحلیل‌های انجام‌شده در بخش بحث و تحلیل، جدولی جامع ارائه می‌شود که در آن مفاهیم نظری کلیدی، به همراه نمونه‌های متنی و تحلیل‌های نوآورانه مرتبط با سه‌گانه چینوا آچه، به اختصار بررسی شده است. این جدول، نه تنها خلاصه‌ای از بحث‌های پیشین را ارائه می‌دهد، بلکه نکات جدید و کاربردی را نیز در راستای گسترش عمق پژوهش مطرح می‌کند.

جدول ۲. مفاهیم نظری کلیدی و تحلیل سه‌گانه آچه

مفهوم نظری	نمونه متنی از آثار آچه	تحلیل جدید و ارتباط با نظریه پردازان
دیگری‌سازی از طریق اسطوره‌زدایی (ادوارد سعید)	در همه چیز فرومی‌باشد: مبلغان مسیحی درخت مقدس قبیله را قطع می‌کنند و خدای زمین (آنی) را به چالش می‌کشند.	این اقدام استعمارگران نشان‌دهنده فرایند حذف عناصر معنوی فرهنگ بومی است که سعید آن را به‌عنوان یکی از ابزارهای گفتمان استعماری می‌داند. این تخریب، علاوه بر بی‌اعتبار کردن اسطوره‌ها، باعث تزلزل هویت فرهنگی و اجتماعی قبیله می‌شود.
خلق روایت‌های موازی (ادوارد سعید)	در تیر خدا: مبلغ مسیحی می‌گوید: «نور ما، سایه‌های تاریک گذشته شما را پاک می‌کند.»	این روایت موازی، فرهنگ بومی را نه به‌عنوان مخالف، بلکه به‌عنوان چیزی ناتمام و نیازمند اصلاح نمایش می‌دهد. سعید معتقد است که این استراتژی، مشروعیت‌بخش گفتمان استعماری است و فضای ذهنی افراد بومی را برای پذیرش ارزش‌های استعمارگرانه آماده می‌کند.
فضای بینابینی و بحران هویتی (هومی بابا)	در دیگر آرامشی نیست: اوبی می‌گوید: «من دیگر نه در اینجا جایی دارم و نه در آنجا.»	فضای بینابینی بابا، جایی است که هویت‌ها در تلاقی فرهنگ‌های استعماری و بومی شکل می‌گیرند. آچه، با روایت بحران هویتی اوبی، نشان می‌دهد که چگونه افراد در این فضا از هویت‌های پایدار فاصله می‌گیرند و به‌سوی شکاف‌های درونی و دوگانگی روانی سوق داده می‌شوند.
بی‌صدایی فرودستان (گایاتری اسپیواک)	در همه چیز فرومی‌باشد: زنان قبیله تنها از طریق داستان‌های شفاهی و غیررسمی، روایت‌های خود را بیان می‌کنند.	اسپیواک معتقد است که فرودستان اغلب در ساختارهای قدرت صدای خود را از دست می‌دهند. آچه، با برجسته‌کردن این روش‌های غیررسمی، نشان می‌دهد که حتی در شرایط سرکوب، فرودستان می‌توانند با استفاده از ابزارهای فرهنگی خاص خود، روایت‌های جایگزین ارائه دهند.
خشونت ساختاری و ازخودبیگانگی فرهنگی (گایاتری اسپیواک و فرانتس فانون)	در تیر خدا: استعمارگران رهبران بومی را به حاشیه می‌رانند و رهبران وفادار به خود را جایگزین می‌کنند.	این نمونه نشان‌دهنده خشونت ساختاری است که اسپیواک و فانون به آن اشاره می‌کنند. این خشونت، نه تنها رهبران بومی را از قدرت محروم می‌کند، بلکه ساختارهای فرهنگی جامعه را نیز تضعیف کرده و هویتی ازهم‌گسیخته ایجاد می‌کند.
ازخودبیگانگی روانی ناشی از استعمار (فرانتس فانون)	در همه چیز فرومی‌باشد: اوکونکو پس از انزوای کامل، خودکشی می‌کند.	فانون، ازخودبیگانگی روانی را یکی از پیامدهای استعمار می‌داند. آچه، با روایت سقوط اوکونکو، نشان می‌دهد که چگونه استعمار، از طریق تحمیل ارزش‌های بیگانه و تخریب هویت‌های بومی، افراد را به انزوا و نابودی شخصیتی سوق می‌دهد.

۶. نتیجه‌گیری

آثار سه‌گانه چینوا آچبه، در تعامل پیچیده با ایده‌های نظریه‌پردازانی چون ادوارد سعید، هومی بابا، گایتری اسپواک و فرانتس فانون، تصویری چندلایه از جوامع آفریقایی تحت سلطه استعمار ارائه می‌دهند. این رمان‌ها، ضمن نمایش تغییرات ناشی از گفتمان‌های استعماری، روایت‌هایی از مقاومت، ازخودبیگانگی و بازسازی هویت را مطرح می‌کنند که در عمق تجربه‌های فردی و جمعی بازتاب می‌یابند.

رمان‌های آچبه، اغلب در فضای میان سنت و مدرنیته رخ می‌دهند؛ جایی که شخصیت‌ها میان وفاداری به باورهای بومی و سازگاری با ارزش‌های تحمیلی استعمار گرفتار شده‌اند. این فضا، همان‌گونه که بابا توضیح می‌دهد، به بستر شکل‌گیری هویت‌های جدید و متناقض تبدیل می‌شود. از مقاومت رهبران سنتی تا انزوای نسل جوان‌تر، این هویت‌های سیال نه تنها بازتاب‌دهنده تناقضات درونی جوامع پسااستعماری هستند، بلکه شکاف‌های ناشی از تغییرات اجتماعی را برجسته می‌سازند.

سعید بر این باور است که گفتمان‌های استعماری، با بازنمایی فرهنگ‌های بومی به‌عنوان غیرمنطقی و نیازمند هدایت، ابزار مؤثری برای تحکیم سلطه غربی بوده‌اند. این ایده، در روایت‌های آچبه از تخریب ساختارهای اجتماعی و بی‌اعتبارسازی باورهای سنتی مشهود است. از مسیحیت به‌عنوان ابزاری برای کنترل فرهنگی گرفته تا زبان انگلیسی به‌عنوان وسیله‌ای برای تحمیل هنجارهای غربی، استعمار در آثار آچبه نه تنها با استفاده از قدرت نظامی، بلکه از طریق بازتعریف ارزش‌ها و معانی، نظم‌های بومی را تغییر داده است.

اسپواک نشان می‌دهد که فرودستان اغلب در ساختارهای قدرت از امکان بیان صدای خود محروم هستند. این ایده در آثار آچبه از طریق نمایش زنان، رهبران بومی و افراد حاشیه‌نشین بازتاب یافته است. هرچند این گروه‌ها در روایت‌های رسمی کمتر حضور دارند، اما آچبه با نشان‌دادن روش‌های غیرمستقیم مقاومت آن‌ها، از بازنمایی صرف فرودستان به‌عنوان قربانیان منفعل فراتر می‌رود. روایت‌هایی که از طریق آیین‌ها، داستان‌گویی‌های شفاهی و حتی انتخاب‌های فردی بیان می‌شوند، نشان‌دهنده قدرت زنده مانده این گروه‌ها در مقابله با سلطه است.

فانون، استعمار را عاملی برای ازخودبیگانگی فردی و اجتماعی می‌داند. شخصیت‌های آچبه، از رهبران سنتی که اقتدار خود را از دست می‌دهند تا نسل جوانی که میان وفاداری به گذشته و پذیرش آینده گرفتار شده‌اند، بازتاب‌دهنده همین ازخودبیگانگی هستند. این

بازاندیشی هویت و مقاومت: ... (خسرو سینا و وحید سلیمانی نژاد) ۱۲۷

رمان‌ها، با نمایش تناقضات روانی و اجتماعی ناشی از استعمار، به خوبی نشان می‌دهند که چگونه این تجربه، هویت را از بنیان دگرگون می‌کند.

زبان، در آثار آنچه نه تنها وسیله‌ای برای ارتباط، بلکه عرصه‌ای برای نبرد هویتی است. استفاده استعمارگران از زبان انگلیسی به عنوان زبان رسمی، نمادی از تسلط آن‌ها بر نظام فکری و اجتماعی است؛ اما آنچه، با نوشتن به زبان انگلیسی و درعین حال گنجانیدن عناصر فرهنگی و زبانی ایگبو، این ابزار را بازتعریف کرده و به ابزاری برای مقاومت فرهنگی تبدیل می‌کند.

سه گانه آنچه، با ترکیب روایات فردی و جمعی، لایه‌های پیچیده‌ای از تجربه‌های استعمار و پسااستعمار را آشکار می‌کند. این آثار، نه تنها به عنوان بازنمایی واقعیت‌های تاریخی، بلکه به عنوان تلاشی برای بازاندیشی در مفهوم هویت و مقاومت عمل می‌کنند. از منظر نظریه پردازانی که در این تحلیل مورد بررسی قرار گرفتند، می‌توان گفت که آنچه، با پرداختن به تأثیرات چندوجهی استعمار، موفق شده است تصویری کامل‌تر و انسانی‌تر از تجربه‌های آفریقایی ارائه دهد؛ تصویری که خواننده را به تأمل درباره قدرت، هویت و امکان‌های مقاومت دعوت می‌کند.

کتاب‌نامه

- Bhabha, H. K. (2021). *The Location of Culture*. Routledge.
- Castelli, A. (2022). Liberation through violence in Fanon's *The Wretched of the Earth*: Historical and contemporary criticisms. *Peace & Change*, 47(4), 325-340.
- Davis, K. (2021). *Psychological Dimensions of Postcolonial Narratives*. Cambridge University Press.
- Fanon, F. (2021). *Black Skin, White Masks*. Grove Press.
- Fanon, F. (2021). *The Wretched of the Earth*. Grove Press.
- Fanon, F. (2023). Black skin, white masks. In *Social theory re-wired* (pp. 355-361). Routledge.
- James, P. & Clarke, T. (2023). *Comparative Studies of African and Middle Eastern Literature*. Palgrave Macmillan.
- Johnson, L. & Smith, R. (2021). *Postcolonial Identities in African Literature*. Routledge.
- Miri, S. J. (2019). Frantz Fanon in Ali Shariati's Reading: Is it Possible to Interpret Fanon in a Shariatian Form? In *Frantz Fanon and Emancipatory Social Theory* (pp. 184-216). Brill.
- Said, E. W. (2023). *Orientalism*. In *Social theory re-wired* (pp. 362-374). Routledge.

Spivak, G. C. (2022). Can the Subaltern Speak? In C. Nelson & L. Grossberg (Eds.) , *Marxism and the Interpretation of Culture* (pp. 271-313). University of Illinois Press.

Achebe's works

Achebe, C. (2021). *Things Fall Apart*. Penguin Classics.

Achebe, Chinua. (2013). *Arrow of god*. Penguin UK.

Achebe, Chinua. (1987). *No longer at ease* (Vol. 3). Heinemann.